

# بحث و انتقاد

## نقص قوانین یا نقص اجراء و قضاوت

(۴)

### خلاصه قسمتهای قبل

در ادارات دولتی و محاکم هرج و مرج عظیم وجود دارد - گروهی آنرا نقص عبارات و الفاظ قوانین و گروهی گناه مجریان قانون میدانند - تکرارنده هر دو قسمت را تشریح میکنند تا خوانندگان گرامی خود قضاوت واقعی بنمایند - فصل اول تحت عنوان نقص قوانین در نه مبحث وسیع نگاشته خواهد شد - يك نوع نقص خاصی اناشی از تصویب ماده واحده ۳۱۲ر۴۳۱ راجع باحوال شخصیه ایرانیان غیرشعبه در قوانین ایران وجود یافته که بنوبه خود چندین مشکل جدید ایجاد کرده است و اینک دنبال مقال :

### نقص قوانین

بالجمله - سالها از تصویب ماده واحده فوق الاشعار گذشت و از ناحیه اقلیتهای مذهبی هیچ نوع مجموعه یا کتابی که مبین قواعد و عادات مسلمه مذهبی آنها باشد تهیه نگردیده و به دادگاهها یا وزارت دادگستری ارسال نشده و اگر اختلافی پیش میآید حل آن به کیفیتی که مفاد ماده واحده در آن رعایت شده باشد بسیار مشکل میگردد .

«خاطر مهمت در سال ۱۳۱۱ مردی زردشتی ثروتمند معروف به مسیواردشیر بدون اولاد و نواده فوت کرد بنا به رسوم و عادات قومی زردشتیها شخصی را بنام اسفندیار . آ.و. / برای او پل گذار و فرزند خوانده تعیین کردند. پل گذار دادخواست تقاضای گواهینامه حصر، وراثت بدادگاه بخش داد. زوجه اردشیر و چند نفر دیگر بر تقاضای انحصار وراثت او، اعتراض دادند و با آنکه از نظر عقاید مذهبی زردشتیها، سرعت در خاتمه یافتن چنین محاکمه، مطلوب بود سالها این اختلاف طول کشید و قواعد مذهبی مدون و منفق علیهی وجود نداشت، و که اولاً کیفیت تعیین و نصب پل گذار و شرایط انتخاب او را و ثانیاً حدود مالکیت و مقدار، و اختیار پل گذار را برای تصرف در ترکه پدر خوانده (بلاخص در جایگه فرزند خوانده بعد، از فوت پدر خوانده انتخاب میشود) تعیین کند و سالها محاکمه جریان داشت و بالاخره محاکم، «پل گذاری را غیر قانونی و حکم بضر او دادند، و بعلت طول محاکمه مقدار زیادی از متروکات، تلف و یکی از قضات مورد شکایت قرار گرفت .»

تا آنکه در آبانماه سال ۱۳۱۷ برای اولین بار خلیفه‌گری ارامنه در آذربایجان مجموعه از قواعد و عادات مذهبی ارامنه گریگوریان بوزارت دادگستری ارسال و تذکر داد که مندرجات این کتابچه قواعد مذهبی است که بتصویب خلیفه اعظم ارامنه (در ایچماذین - ارمنستان) رسیده و تقاضا داشت که به دادگاههای ایران برای اجراء داده شود و متعاقب آن بموجب نامه دیگر التحاق و تبصره بذیل مواد ۶۱۱ و ۶۲۲ کتابچه مزبور را که راجع بارت و وصیت رهبانان و متصدیان اجاقهای مذهبی است بوزارت دادگستری اعلام نمود - در آن ایام (برعکس سنوات اخیر) هنوز قلم و امضاء دروزارت دادگستری و نخست وزیری هرز نشده بود. وزراء و معاونین و مدیرکل امور قضائی و اداره حقوقی سعی بلیغ میکردند که از قلم آنها مطالب نا صحیح و غیر منطبق با نصوص و وظائف و تکالیف قانونیشان تراوش نکند و روی همین تفکر، وزیر وقت دادگستری این کتابچه را با اداره حقوقی ارسال و دستور داد دقیقاً مطالعه و اظهار نظر کنند که آیا تمام مواد آن مربوط باحوال شخصیه است یا خارج از این نطاق نیز مقرراتی دارد؟ رئیس اداره حقوقی باین شرح:

«بنظر اینجانب از ماده ۱۲ تا ۲۱ راجع به قیمومت مربوط باهلیت و احوال شخصیه»  
 «نیست و ماده ۶۶ و شق ۴ ماده ۶ راجع باینکه اگر متوفی وارثی نداشته باشد تمام،  
 اموال او بخلیفه گری و هرگاه فقط زوجه داشته باشد تمام اموال متعلق بزوجه است»  
 «علاوه بر آنکه مستقیماً مربوط باحوال شخصیه نیست اسطفاک با منافع دولت دارد»  
 «و در این دو مورد باید ذوماده ۹۴۹ و ۸۶۶ قانون مدنی نسبت بکلیه اتباع ایران»  
 «اجرا شود و نیز ماده ۴۲ راجع بمرجع رسیدگی بدعاوی فسخ و انحلال نکاح و قسمت»  
 «اخیر ماده ۷۰ راجع به قیم، باید بکلی حذف شود - بقیه مربوط باحوال شخصیه است»  
 نظریه خود را بوزیر وقت تقدیم داشت. این نظریه نشان میدهد که در عقیده اداره

حقوقی مسائل راجعه به قیمومت و اهلیت از مصادیق احوال شخصیه نیست - همچنین تعیین مرجعی برای رسیدگی بدعاوی فسخ و انحلال نکاح و آنچه راجع به کیفیت نسب و وظایف قیم است مشمول عنوان مذکور در ماده واحد مصوبه ۳۱ تیر ماه ۳۱۲ نمیباشد و بنوبه خود موید اشکالی است که در قسمت قبلی این مقاله راجع به صعوبت تشخیص و استقصاء مصادیق انحصاری احوال شخصیه ذکر و بیان شده - در عین حال اینکه اداره حقوقی راجع به مواد ۶۶ و شق ۴ ماده ۶ کتابچه مزبور که بموجب آنها در جائیکه متوفی بکلی فاقد وارث باشد ارث او بخلیفه گری ارامنه و در جائیکه فقط زوجه داشته باشد تمام تر که بزوجه او تعلق یابد اظهار نظر بر عدم ارتباط آنها باحوال شخصیه کرده و آنها را مخالف با منافع دولت و غیر لازم الاتباع شناخته، صحیح بنظر نمیرسد - زیرا این دو فرع راجع بارت است که در ماده واحد مورد بحث صریحاً ایرانیان غیر شیعه را در مسائل ارثی تابع قواعد و مقررات مذهبی خودشان دانسته و ذکر مخالف بودن آنها با مصلحت مادی و پولی دولت کافی نیست که دادگاهها از اجراء قانون (مفاد ماده واحد) خود داری کنند - بالجمله وزارتخانه هیچگونه دستوری نفی یا اثباتاً راجع به لزوم اجراء این قواعد در محاکم ندارد و حتی وصول چنین کتابچه را به هیچ يك از دادگاهها و ادارات اعلام ننمود - حق هم همین بود زیرا وزارت دادگستری در آن زمان

بخوبی متوجه بود که نه در این ماده واحده و نه هیچیک از قوانین دیگر عبارتی وجود ندارد که بموجب آن مرجع استفتاء قواعد و عادات مذهبی اقلیتها و کیفیت بدست آوردن حکم مذهبی مسلم آنها را تعیین کند و قضیه منحصرأ به استنباط حقوق و محاکم محمول است که خودشان از هر طریق که ذهنشان را متقاعد کند قاعده مسلم مذهبی را بدست آورند .

بعد از چندی خلیفه گری ارامنه در اصفهان نیز کتابچه حاوی قواعد مذهبی ارامنه گریگوریان تهیه و بوزارت دادگستری ارسال داشت که با مندرجات کتابچه ارسال از تبریز تمارض و تفاوت مشهود داشت . وزارت دادگستری دو نامه (بشماره های ۵۵۴۱ و ۵۵۴۲/۹/۱۰۰۰) ۲۳/۹/۱۱۶ - ۵۵۴۲) به کلیسای اصفهان و تبریز مرقوم و راجع باختلاف قواعد و احکام مذهبی ارامنه و صلاحیت و تقدم یکی ازین دو کلیسیا استعلام نمود . کلیسای اصفهان پاسخی بشماره ۲/۲۳۱ ۲۳/۹/۳۰۲۴۰۲ باین عبارت :

«وزارت دادگستری - اداره حقوقی - بازگشت بنامه شماره ۵۵۴۱ (۲۳/۹/۱۰)»  
 «مبنی بر صلاحیت هر یک از خلیفه گریهای اصفهان و آذربایجان»  
 «از زمان تسلط شاه عباس اول که ارامنه در ایران مستقر گشته اند خلیفه گری اصفهان»  
 «برقرار و اختیارات آن از بندر پهلوی تا بندر شاه و هندوستان و چاره بوده و هست و»  
 «فهر ا امور مذهبی و اجتماعی عموم ارامنه ساکنین مناطق نامبرده تحت سرپرستی»  
 «خلیفه گری اصفهان بوده و می باشد بنابراین خلیفه گری اصفهان از خلیفه گری»  
 «آذربایجان مجزی و ارتباطی باهم ندارند.»

### از طرف هیئت نمایندگان ارامنه جلفای اصفهان

و کلیسای آذربایجان نامه ای بشماره ۵۲۸ (۲۳/۹/۲۴) باین عبارت :

«اداره حقوقی - وزارت دادگستری - در پاسخ نامه شماره ۵۵۴۲ ح/۵۵۴۲ (۲۳/۹/۱۱)»  
 «محترماً اشعار میشود که تاکنون در ایران دو خلیفه گری (تبریز و جلفای اصفهان)»  
 «دایر است و حدود اختیارات هر دو یکسان است و هر دو خلیفه گری قوانین مذهبی»  
 «گواهی شده از طرف خلیفه گری اعظم عموم ارامنه را عمل و اجراء مینمایند که شش»  
 «سال قبل رونوشت آن بوزارت محترم دادگستری تقدیم شده است.»

### خلیفه گری کل ارامنه آذربایجان

بوزارت دادگستری فرستادند - مفاد این نامه ها اشعار کافی دارد که قواعد مسلم و غیر قابل مناقشه بین ارامنه گریگوریان که در عین حال مذهبی هم باشند معدود است . و چون یکی دو نامه بعد از اینها از خلیفه گری اصفهان بوزارتخانه رسیده و از رفتار دادگاههای ایران گله کرده بودند وزارت دادگستری مطالعه در این امر را به جناب آقای دکتر علی آبادی (دادستان قبل دیوان عالی کشور) سپرد و معزنی الیه گزارش کوتاه و مفیدی در تاریخ ۱۳۲۴/۶/۲۱ باین عبارت :

«بعرض برسد ماده واحده مبنی بر اجازه رعایت احوالات شخصیه ایرانیان غیر شیعه»  
 «مصوب ۳۱۲/۴/۳۱ مقرر داشته که قواعد و عادات مسلمه متداوله در مذهب آنان را»  
 «چیز در مواردیکه مخالف با انتظامات عمومی باشد در موارد زیر»

- « ۱ - مسائل مربوط ببنکاح و طلاق در مذهب که شوهر پیر و آنست »
- « ۲ - مسائل مربوط ببارت و وصیت در مذهب متوفی »
- « ۳ - مسائل مربوط بفرزند خواندگی، در مذهب پدرخوانده یا مادرخوانده »
- « ۴ - محاکم و دادگاهها رعایت نمایند . خلیفه گری اصفهان ۷۴ ماده بنام احوالات شخصیه »
- « گریگوریان بوزارت دادگستری عرضه داشته و آنها راقواعد مسلمه فرض نموده در »
- « صورتیکه قواعد مزبور متفق علیه نیست و خلیفه گری تبریز با بسیاری از آنها اختلاف »
- « نظر دارد - ارامنه دیگر هم برخی قواعد مزبوره را غیر مسلم می شمارند . باین نظر »
- « قواعد پیشنهادی در وزارت دادگستری مسکوت گذاشته شده و رعایت آن بشکلی که »
- « عمومیت داشته باشد محتاج به تصویب پارلمان نیست - دادگاهها ماده واحده »
- « مصوب تیر ماه ۱۲ را با قیود مندرج در ماده رعایت مینمایند - بنا بر این تقاضای »
- « خلیفه گری اصفهان که پیشنهادات او مورد قبول تمام دادگاهها باشد قابل ترتیب اثر »
- « نیست مگر آنکه شکل قانونی حاصل نماید . »
- « در موارد مشروحه در نامه شماره ۲۱۸۴ مورخه اول سپتامبر ۱۹۴۵ خلیفه گری »
- « اصفهان کلیاتی ذکر شده بدون آنکه دادگاههای مورد شکایت و اصحاب دعوی بیان »
- « شده باشد . بنا بر این مقتضی است که خصوصیات امر اظهار شود تا چگونگی از دادگاههای »
- « مربوطه استعلام و دانسته شود که عمل آنها موافق ماده واحده مصوب تیر ماه ۱۳۱۲ »
- « بوده است یا نه و صدور بخشنامه هم بيمورد بنظر میرسد زیرا رعایت قانون از وظائف »
- « هر دادگاه است و دستور علاوه لازم نیست . »

### دکتر علی آبادی

تنظیم و بوزیر وقت داد و همین امر یکی دیگر از اسباب و علل خودداری وزارتخانه از اعلام این مجموعه قواعد بدادگاهها یا دادن پاسخ بهر کس یا مقامی که حکم مسلم مذهبی يك موضوع را استعلام مینمود، گردید .

در سال ۱۳۲۸ يك بانوی ارمنی گریگوریان مذهب در حالیکه فاقد اولاد و نواده بود از دنیا رفت و بین شوهر مشارالیه از یکطرف و برادر و مادر و خواهران او از طرف دیگر، راجع به وراثت و حصر وراثت در دادگاههای تهران اختلاف شدید برپا شد - طرفین هر يك فتاوی عدیده طبق مطلوب خود از کلیسای ارامنه در تهران و اصفهان بدست آوردند - و کلاء طرفین صف آرای حادی داشتند - و شاید برای اولین بار مجموعه قواعد مذهبی ارسالی آذربایجان که در بایگانی وزارت دادگستری بود مورد استناد واقع و رونوشت مصدق قسمتی از مواد آن اخذ و بدادگاهها داده شد . این محاکمه که سالها طول کشید موجب زحمت زیاد برای قضات دادگاهها و منشأ شکایات عدیده و اعمال قوه و زور در مراجع رسیدگی گردید . وزیر وقت قضیه را بداداره نظارت (فملا دادسرای عالی انتظامی قضاة نامیده میشود) ارجاع نمود و یکی از بازرسان عالی و مشهور این اداره گزارش بسیار جالب و خواندنی تهیه و بوزارت داد .